

Analysis of the meaning of Kafir in the verse of Jihad Kabir

Hamid Maruji Tabasi*, **Mohammad Ali Rezaei Isfahani****

Rahman oshriyeh***

Abstract

The title of the Great Jihad is mentioned in the verse "Falato Te'e Al-Kafirin and Wajahedhom Beh Jehadah Kabira" (Furqan: 52). Considering the Meccanness of Surah Furqan and the context of the Meccan verses, the Great Jihad is a comprehensive package of civilian solutions to confront the enemies, which protects the Islamic society from any invasion and civilian domination. Arriving at the meaning of "unbelievers" in the verse of Jihad Kabir is the main issue of this research. Because this verse has commanded not to follow them in the path of doing great jihad. The purpose of conducting this research, while examining the opinions of foreign commentators in explaining the concept of infidel, is to present the research results to members of the Islamic society and its officials so that it can be used as a basis for action in decision-making. According to the findings of this research, "unbeliever" in the verse of Jihad Kabir has the general meaning of "active enemy against the interests of Islamic society" and includes the following people and groups: polytheists (disbelievers), unbelievers of the Book (Dhimmi and non-Dhimmi), enemies, hypocrites, disbelievers. Apostates, Zanadaqah (disbelievers) and Harbi disbelievers (deniers). As a result, the officials of the Islamic society are

* PhD in comparative interpretation of the Holy Quran University of Science and Knowledge.
hamrt62@yahoo.com.

** Visiting professor and faculty of the Holy Quran University of Sciences and Education.
info@rezaeesfahani.com

*** Associate Professor, Department of Qur'an Commentary and Sciences, University of Holy Quran
Sciences and Sciences oshrieh@quran.ac.ir

Date received: 14/12/2021, Date of acceptance: 10/03/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

obliged to plan and carry out affairs based on the achievements of their religious society with the approach of great jihad. The method used in this research to achieve the desired goal is the method of intra-Qur'an subject research and comparative study between Shia and Sunni interpretations.

Keywords: Holy Qur'an, Great Jihad, Kafir, Enemy, Obedience, Verse 52 of Surah Furqan

واکاوی معنای کافر در آیه جهاد کبیر

حمید مروجی طبسی*

محمدعلی رضایی اصفهانی**، رحمان عشریه***

چکیده

عنوان جهاد کبیر در آیه «فَلَا تَطْعَمُ الْكٰفِرِيْنَ وَجٰهَدُوْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» (فرقان: ۵۲) آمده است. باتوجه به مکی بودن سوره فرقان و سیاق آیات مکی، جهاد کبیر، بسته جامعی از راهکارهای غیرنظامی مقابله با دشمنان است که جامعه اسلامی را در برابر هرگونه تهاجم و تسلط غیرنظامی، مصون می‌سازد. رسیدن به معنای «الکافرین» در آیه جهاد کبیر، مسئله اصلی این پژوهش بوده؛ چرا که این آیه فرمان به عدم پیروی از آنان در مسیر انجام جهاد کبیر نموده است. هدف از انجام این پژوهش، ضمن بررسی نظرات مفسران فریقین در تبیین مفهوم کافر، ارائه نتایج تحقیق به آحاد جامعه اسلامی و مسئولان آن است تا در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مبنای عمل قرار گیرد. طبق یافته‌های این پژوهش، «کافر» در آیه جهاد کبیر به معنای کلی «دشمن فعال علیه منافع جامعه اسلامی» و شامل افراد و گروه‌های ذیل می‌شوند: مشرکان(منکران)، کافران اهل کتاب(ذمی و غیرذمی)، معاندان، منافقان، کافران مرتد، زنادقه(کافران جحود) و کافران حربی(منکران). در نتیجه مسئولان جامعه اسلامی موظف‌اند صرفاً با تکیه بر داشته‌های جامعه دینی خود با رویکرد جهاد کبیر اقدام به برنامه‌ریزی و انجام امور نمایند. روشی که در این تحقیق برای رسیدن به مطلوب از

* دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. hamrt62@yahoo.com

** استاد و هیأت علمی مدعو دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. info@rezaeesfahani.com

*** دانشیارگروه تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. oshryeh@quran.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹



آن استفاده شده، روش تحقیق موضوعی درون قرآنی و مطالعه تطبیقی میان تفاسیر شیعی و اهل تسنن است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، جهاد کبیر، کافر، عدو، اطاعت، آیه ۵۲ سوره فرقان.

۱. مقدمه

پنجاه و دومین آیه از سوره فرقان که بیست و پنجمین از سوره قرآن کریم است، «آیه جهاد کبیر» نامیده شده: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا». در این آیه شریفه، چند مفهوم اساسی به کار رفته است که برخی از آنها عبارتند از: اطاعت، کفر، جهاد، جهاد کبیر، نهی از اطاعت کافران، امر به جهاد با کافران، ابزار انجام جهاد کبیر، امر به انجام جهاد کبیر و مخاطبان این فرمان. بر این پایه، مقاله پیش رو به بررسی و واکاوی یکی از این مفاهیم خواهد پرداخت که همانا معنای کافر در آیه جهاد کبیر است و خداوند متعال در آیه مد نظر و آیات مشابه، به نهی از اطاعت آنان فرمان داده است.

آیت الله خامنه‌ای در یکی از بیانات تفسیری خود، عدم اطاعت از کافران را جهاد کبیر خواند:

یک وجه اوضیحی در اینجا وجود دارد که «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ»، یعنی «بعدم الاطاعة»؛ عدم الاطاعة یعنی آن مصدری که فعل از آن انشقاق پیدا [میکند] و مستتر در آن فعل است؛ فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ، یعنی به این عدم الاطاعة، جهاداً کبیراً؛ پس عدم الاطاعة شد جهاد کبیر؛ این معنا اقرب به ذهن است ... جهاد کبیر یعنی این؛ جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶)

بر این اساس، لازم است معنای کافر مشخص شود تا بتوان به درستی جهاد کبیر را به سرانجام رساند.

۲. پیشینه

از آنجا که محل بحث این تحقیق، آیه‌ای از آیات قرآن کریم است، طبیعتاً شرح و تفسیر آن همزمان با نزول آیه، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما به صورت خاص، منابع

مکتوب موجود در موضوع «جهاد کبیر» و «معنا و مصداق کافر» به شرح ذیل به عنوان پیشینه این تحقیق معرفی می‌شود:

۱.۲ منابع مکتوب در موضوع جهاد کبیر

کتاب‌هایی که در موضوع جهاد کبیر، به رشته تحریر در آمده را در دو دسته کلی می‌توان معرفی کرد: یکی منابع عام در موضوع مد نظر که عموم کتاب‌های تفسیری است که در زمان‌های مختلف نگاشته شده و دیگری منابع اختصاصی در این موضوع که در ادامه، مرتبط‌ترین منابع به موضوع مقاله، مرور خواهد شد:

- کتاب «جهاد کبیر: اطاعت نکردن از دشمن»، اثر محسن مطلبی جوتقانی؛ این اثر به مفهوم‌شناسی جهاد و توضیح انواع جهاد، شاخص‌های اصلی، ابزارها و الزامات جهاد کبیر با دو عنوان دشمن‌شناسی و بصیرت‌افزایی پرداخته و ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی آن را تعیین کرده ولی این کتاب نیز به توضیح کافر در ادبیات قرآنی توجه نداشته است.

- کتاب «جهاد کبیر: مبانی دیپلماسی انقلابی از منظر قرآن کریم»، اثر عباس عبداللهی؛ این کتاب از یک مقدمه، یک پیش‌گفتار، چهار بخش: کلیات، مواجهه «توحیدی» با استکبار، بعثت انبیای الهی و رویارویی با جبهه معارضین، اصل «ولایت» و رابطه با جبهه استکبار، و یک ضمیمه تحت عنوان «سند راهبردی و پراهمیت پیام قبولی قطعنامه ۵۹۸ از امام خمینی (ره)» سامان یافته، اما این اثر نیز به تبیین مفهوم کافر در آیه جهاد کبیر عنایت نکرده است.

- کتاب «جهاد کبیر؛ دست ردی بر سینه دشمن»، اثر محققان مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی؛ این کتاب به تعریف مفاهیم جهاد و جنگ و تعیین چهار نوع جهاد صغیر، اکبر، فی سبیل الله و ابتدایی، چیستی و شناخت جهاد کبیر و بیان انواع جهاد کبیر پرداخته اما واژه‌شناسی کافر در آن انجام نشده است.

- مقاله «چیستی جهاد کبیر و نسبت آن با عدم اطاعت از کافران»، اثر محمدرضا بخشی؛ مسئله اصلی نویسنده، تبیین چیستی مفهوم جهاد کبیر در قرآن کریم و بررسی نسبت آن با عدم اطاعت از کافران بوده است.

- پایان نامه «مفهوم شناسی جهاد کبیر از دیدگاه قرآن و سنت و بازشناسی عرصه‌ها و کارکردهای آن در جامعه اسلامی»؛ توسط طیبه سادات موسوی در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم برای مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۶ طی ۱۴۸ صفحه
 - پایان نامه «جهاد کبیر و راهکارها و موانع تحقق آن در قرآن کریم»؛ توسط محمدرضا بخشی در دانشگاه امام صادق (ع)، برای مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۶
- از بررسی مکتوبات فوق این نتیجه حاصل می‌شود که اگرچه تحقیقات متعددی در موضوع جهاد کبیر و برخی زمینه‌ها و ابعاد آن انجام شده، اما هیچ‌یک از آنها به صورت خاص به تبیین معنای کافر در آیه جهاد کبیر نپرداخته‌اند.
- از سوی دیگر، برخی منابع به بحث درباره معنای «کفر» در قرآن کریم پرداخته‌اند:
- کتاب «بررسی معناشناختی واژه کفر در قرآن کریم» اثر حسین خودروان که در حقیقت، پایان نامه مؤلف در مقطع کارشناسی ارشد بوده، در سه بخش تنظیم شده است: در بخش اول رابطه مفهوم کفر با مفاهیم همسان، در بخش دوم به تقابل مفهوم کفر با مفاهیم متضاد و در بخش سوم به زمینه‌ها و پیامدهای کفر پرداخته است.
 - کتاب «طهارت و نجاست اهل کتاب و مشرکان در فقه اسلامی» اثر محمدحسن زمانی است. مؤلف در فصل اول این کتاب به بحث شناخت کافر، اهل کتاب و مشرک پرداخته و طی دو گفتار، ابتدا به معنای کفر و سپس به تعیین اقسام کفار پرداخته است.
 - مقاله «حوزه معنایی واژه کفر در قرآن کریم» اثر سیدمهدی شهیدی، کلمات کانونی واژه کفر در بیان قرآن کریم را مشخص کرده است.
 - مقاله «بررسی زبانشناختی واژه قرآنی کفر» اثر مریم قاسم احمد و دکتر آذرتاش آذرنوش، به سیر تطور معنایی آن در زبانهای سامی و از جمله زبان عربی و سپس به بررسی خاستگاه واژه و ریشه‌شناسی آن پرداخته است.
 - مقاله «معنی‌شناسی تاریخی واژه کفر از کاربست جاهلی تا تضمین نحوی در قرآن» اثر ناصر قره‌خانی، علی‌باقر طاهری‌نیا و عبدالحسین فقهی است و در آن اثبات شده که بر اساس تضمین، علاوه برافزوده شدن حرف جر به افعال هم‌معنای کفر، معنای انکار به آنها اضافه شده یا تقویت می‌شود.

- پایان‌نامه «معناشناسی واژه کفر در قرآن» اثر لیلیا خانی حبیب‌آبادی در مقطع سطح سه حوزه علمیه و در صدد تبیین جایگاه معنایی واژه کانونی کفر به شیوه معناشناسی مکتب بن با الهام از روش ایزوتسو است.

پس از بررسی مکتوبات در معنای «کفر» نیز این نتیجه حاصل شد که اولاً به معنای کافر در آیه جهاد کبیر به طور خاص پرداخته و حتی اشاره نشده و ثانیاً مصادیق کافر، جز در یک منبع تعیین نشده که آن هم بسیار کلی است. نتیجه آن که تحقیق حاضر در نوع خود، مشابه ندارد؛ چراکه از سویی، منابع موجود در موضوع جهاد کبیر، به معناشناسی واژه «کافر» در این آیه نپرداخته‌اند و از سوی دیگر، منابع موجود در موضوع کفر، به تعیین مصادیق آن در آیه جهاد کبیر (فرقان/۵۲) اشاره نداشته‌اند.

۳. بیان مسئله

سؤال اصلی این مقاله آن است که مراد از کافران در آیه جهاد کبیر (فرقان/۵۲) چه کسانی هستند که خداوند متعال، فرمان به مخالفت با آنان و جهاد کبیر با آنان داده است؟ آیا مراد خداوند، هر کافری است که کافرانی که اقدامات خاصی انجام می‌دهند؟ هر چند به نظر می‌رسد کافر در اذهان عموم، معنای روشنی داشته باشد، اما گونه‌بندی‌های متعدد و بار معنایی هر کدام از آنها که حتی در علوم مختلف برای این اصطلاح ایجاد شده، نگارنده را بر آن داشت تا به مرور و واکاوی این مسئله در قرآن کریم، سوره فرقان و به ویژه پنجاه و دومین آیه این سوره (آیه جهاد کبیر: فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا) پردازد که خداوند ضمن دستور به عدم اطاعت از کافران، امر به انجام جهاد کبیر با آنان نموده است. شناخت کافر در این آیه که خداوند متعال، نهی از اطاعت آنان نموده، محاسبات مسئولان جامعه اسلامی را برای اتخاذ تصمیمات درست و انتخاب شرکای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... تنظیم می‌نماید و در این مسیر، یاری‌رسان آنان خواهد بود.

به عبارت دیگر تعیین معنای دقیق و روشن و تعیین مصادیق کافر در آیه جهاد کبیر، به شناختن دشمنان جامعه اسلامی و مخالفان گسترش دین مبین اسلام و پیشرفت نظام برآمده از آن، یاری می‌رساند و با درک صحیح از مفهوم کافر، صف دوستان از صف دشمنان تفکیک می‌شود و به تبع آن، دوستان و دشمنان هر یک از آن صفوف هم شناخته خواهند شد. در نتیجه افراد، دولت‌ها یا جامعه‌هایی که طرف مشورت یا تعهد جامعه و نظام اسلامی

قرار می‌گیرند، از یکدیگر متمایز می‌شوند و امکان یا لزوم پیروی یا مخالفت با آنها فراهم خواهد آمد. بنابر آنچه گذشت، تلاش پیش رو می‌تواند در تبیین و گسترش فرهنگ قرآنی و اسلامی جهاد کبیر و شناساندن گروهی از دشمنان جامعه اسلامی که ملزم به مقابله با آنان شده‌اند، نقش به‌سزایی داشته باشد.

۴. مفهوم‌شناسی واژه کافر

۱.۴ معنای لغوی

این واژه از ریشه کفر در کتب لغت دارای معانی گوناگونی از جمله بی‌ایمانی، ناشکری، پوشش، (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۶/۵-۳۵۷) سرپیچی، شب (صاحب، ۱۴۱۴ق: ۲۵۰/۶-۲۵۱) و کشاورزی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۴۶/۵) است؛ پس دور از انتظار نیست که در قرآن کریم نیز معانی مختلفی به خود گرفته باشد، همچنانکه این مسئله در کتب مربوط به مفردات قرآن نیز منعکس شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش: ۷۱۴-۷۱۷؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۸۸/۱۰-۹۱)

۲.۴ معنای اصطلاحی کفر در دانش‌های فقه و کلام

۱.۲.۴ کفر در کاربرد فقهی

کافر در منابع فقهی بر سه قسم آمده است: کافر اصلی که از پدر و مادر کافر متولد شده باشد، کافر مرتد یعنی کسی که پس از ایمان آوردن، کفر بورزد و کافر زندیق. (طوسی، ۱۳۸۷ق: ۲۸۲/۷) هرچند در معنای زندیق، اختلافات زیادی وجود دارد ولی طبق روایتی از امام علی (ع) که: «مَنْ طَلَبَ الدِّينَ بِالْجَدْلِ تَزَدَقَ؛ هر کس دین را به جدل بطلبد، زندیق شود.» (ابن بابویه، ۱۳۷۱ش: ۴۳) نتیجه گرفته می‌شود: زندقه در سده‌های نخستین اسلامی به معنای مخالفت با آیین اسلام بوده و زندیق کسی بود که مخالفت خود را با آیین رسمی (اسلام) ابراز کرده یا به انکار یا تمسخر برخی تعالیم آن دست می‌زد یا بدعتی در آن می‌نهاد. (مطهری، ۱۳۸۷ش، ۲۵۸)

واکاوی معنای کافر در آیه جهاد کبیر (حمید مروجی طبسی و دیگران) ۱۵۳

تقسیم دیگری نیز در کتب فقهی برای کافران آمده که عبارتست از: کافر حربی یا غیر اهل کتاب که در معاهده با حکومت اسلامی نیستند، (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق: ۶۲۳) کافر ذمی یا کافران از اهل کتاب که امام مسلمین با آنها پیمان بسته است و آنان در امان حکومت اسلامی هستند. (گلپایگانی، ۱۴۰۹ق: ۵۳۹) با این توضیحات، کافر حربی و کافر ذمی از زیرمجموعه‌های کافر اصلی به شمار می‌روند.

مرحوم کاشف الغطاء در تقسیم بندی جامع، انواع کافران را چنین ترسیم نموده: کفر به طور کلی دو نوع است: کفر اسلامی و کفر ایمانی که هر یک از این دو، به کفر اصلی و ارتدادی تقسیم می‌شوند. کفر ارتدادی را به دو بخش فطری و ملی و کفر اصلی را نیز به دو بخش اسلام‌گرایان و غیر آنان تقسیم کرده است. منافقان، ناصبین، خوارج، غالیان و منکران ضروریات دین را از کافران اسلام‌گرا معرفی نموده و از سوی دیگر، افرادی که جزیه پرداخت می‌کنند را از جمله کافرانی دانسته که در پناه حکومت اسلامی قرار دارند و بخشی از کسانی‌اند که کافر غیراسلام‌گرا هستند. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۳۲۹/۴-۳۳۱)

البته در منابع فقهی برای هر یک از این گروه‌ها، احکامی ذکر شده که خارج از بحث حاضر است؛ لذا نگارنده متعرض آن نشده است.

۲.۲.۴ کفر در دانش کلام

در منابع کلامی، کفر با دیدگاه‌های مختلف و تعیین حدود متفاوت به اقسام متعدد و گاهی به ده دسته تقسیم شده است. (کاشف الغطاء، ۱۳۸۷ش، ۵۰-۵۱) اما چهار دسته معروف و مشترک آنها عبارتند از:

اول: کفر انکار، کسی که با قلب و زبانش خدا و رسول او یا فقط رسول خدا(ص) را انکار می‌کند. (مجلسی، ۱۳۶۳ش: ۱۰/۱۱) دوم: کفر جحود به معنای اینکه منکر، با قلبش خدا و رسول او را انکار می‌کند بدون اینکه عقیده‌اش را بر زبان جاری نماید. (علم‌الهدی، ۱۴۱۱ق، ۵۳۷) این نوع از کفر را به دو بخش مخالفت با وحدانیت الهی و مخالفت با وجود معرفت به حقیقت تقسیم کرده‌اند. (سبحانی، ۱۳۸۵ش، ۵۵-۵۶) زنداقه و دهریون از جمله کسانی است که با وحدانیت الهی مخالف هستند و کفر جحود دارند. (مجلسی، ۱۳۸۶ش: ۵۱۰/۲) سوم: کفر عناد درباره کسی است که با قلب و زبان، خدا و رسول او را می‌شناسد اما از روی حسد و دشمنی، آن را انکار می‌کند. (مجلسی، ۱۳۶۳ش: ۱۰/۱۱) چهارم: کفر

نفاق به این معنا که کافر به زبانش ایمان به خدا و رسول او را اقرار می‌کند ولی در قلبش این اعتقاد را ندارد. (فیض کاشانی، ۱۳۸۷ش: ۲۱۹/۳)

با این تقسیم‌بندی، می‌توان گفت کفر نفاق در خصوص افرادی است که به اسلام، ایمان آورده اما در ایمان وی خللی وجود دارد و سایر دسته‌ها درباره افرادی است که اساساً اسلام را نپذیرفته و با آن به مخالفت پرداخته‌اند.

بر اساس تعاریف گذشته، می‌توان کافر حربی را معادل کافر منکر، کافر ذمی را برابر کافر عنود، کافر زندیق را متناظر کفر جحود و کافر ارتدادی را همچون کفر منافقانه دانست؛ خلاصه آنکه انکار، عناد، جحد و نفاق زیرمجموعه کفر قرار می‌گیرند.

۳.۴ مفهوم کفر در قرآن کریم

مقاتل بن سلیمان معتقد است کفر در قرآن مجید به چهار صورت تفسیر شده است: انکار یگانگی خداوند: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره/۶)، انکار و نپذیرفتن دلیل: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (بقره/۸۹)، انکار نعمت: «وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ» (بقره/۱۵۳) و بیزاری جستن: «كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ» (ممتحنه/۴). (بلخی، ۱۳۸۰ش: ۸۴-۸۵)

سید مرتضی نیز از پنج نوع کفر در ادبیات قرآنی نام برده و برای هر کدام از آن‌ها شواهد قرآنی ارائه نموده است: کفر جحد که به دو بخش انکار و حدانیت الهی: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره/۶) و انکار پس از یقین: «وَ جَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل/۱۴) تقسیم می‌شود. سومین نوع از کفر، مخالفت با نبی خداوند است: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرَجُونَ أَنفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ * ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَ تَخْرَجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...» (بقره/۸۴و۸۵)، کفر برائت: «...ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَ يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ مَا أُولَئِكَ إِلَّا فِي النَّارِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» (عنکبوت/۲۵) و کفر نعمت‌های الهی: «وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم/۷) نیز چهارمین و پنجمین نوع از انواع کفر به شمار می‌آید. (الموسوی، ۱۴۲۱ق: ۱۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۸۹/۲-۳۹۰)

به تعبیر علامه طباطبایی، مراد از تعبیر (الَّذِينَ كَفَرُوا) در قرآن کریم، کفار مکه هستند که در ابتدای بعثت با دعوت پیامبر اکرم (ص) مخالفت می کردند، مگر آن که قرینه‌ای در کلام یافت شود که خلاف این عمومیت را برساند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵۲/۱) برای رسیدن به معنای دقیق این مفهوم که توسط علامه طباطبایی بیان شده، لازم است بررسی تاریخی صورت گیرد تا مشخص شود کسانی که در مکه حضور داشتند و مؤمن به دین اسلام نبودند، توسط قرآن کریم، کافر معرفی شده‌اند؛ به عبارت دیگر، مشرکان و منافقان حاضر در مکه، حتماً در دایره تعبیر (الَّذِينَ كَفَرُوا) قرار می گیرند.

به تعبیر برخی محققان، کلمه کافر در اصطلاح قرآن و در بیشتر موارد، به هر غیر مسلمانی گفته نشده، بلکه قرآن کسانی را کافر نامیده که بعد از بعثت پیامبر (ص) با وجود آشکار شدن حقیقت، با دعوت حضرت رسول (ص) مخالفت کردند. گذشته از آن، گاهی کفر در قرآن، چهره مقدس به خود می گیرد و در مورد جبهه‌گیری در مقابل باطل به کار می‌رود. (مطهری، ۱۳۷۵ش: ۱۴۴)

از آنچه گذشت چنین نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً سه گونه کفر در قرآن کریم به کار رفته است: یکی کفر در برابر اسلام: «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳)، دیگری کفر در برابر ایمان: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (بقره/۶) و سوم، کفر در برابر شکر: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳)؛ ثانیاً مفهوم کفر در قرآن کریم، معانی مختلفی دارد که به حسب مورد، معنای آن مشخص می‌شود. در ادامه و برای رسیدن به معنای دقیق‌تر واژه کافر در آیه جهاد کبیر (فرقان/۵۲)، این مفهوم در سوره فرقان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳.۴ کافر در سوره فرقان

از ریشه کفر، شش مرتبه در سوره فرقان استفاده شده که جز در یک مورد که به معنی ناسپاسی است، بقیه موارد معنای انکار دارد.

چهارمین آیه سوره فرقان یکی از شبهات کافران را نسبت به قرآن کریم بیان می‌کند: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ

زُوراً» (فرقان/۴) بر اساس نظر مفسران فریقین، مراد از (الَّذِينَ كَفَرُوا) در چهارمین آیه، کفار عرب هستند، نه مطلق مشرکان. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۰/۱۵ و شاذلی، ۱۴۱۲ق، ۲۵۵/۵) در آیه دیگری از سوره فرقان آمده است: «الْمَلِكُ يُؤَمِّدُ الْحَقَّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا» (فرقان/۲۶) منظور از عبارت (الْكَافِرِينَ) در آیه بیست و ششم، باید منکران خداوند باشند، چه این که در تفاسیر، برای شرح آن، لفظ محل بحث را در برابر مؤمنین قرار داده‌اند و بیان کرده‌اند که هرچند روز قیامت برای کافران دشوار است، اما برای مؤمنین سهل و زودگذر است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۶۳/۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۲/۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۹۸/۶)

در آیه سی و دوم این سوره مجدداً یکی دیگر از شبهات و اشکالات کافران به این صورت نقل شده است: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» (فرقان/۳۲) در آیه سی و دوم که عبارت (الَّذِينَ كَفَرُوا) به کار رفته، مراد از آن را مشرکان مکه دانسته‌اند، یعنی کسانی که دعوت قرآن را رد کرده بودند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۸/۱۵؛ ابن عاشور، بی تا: ۴۴/۱۹) البته برخی از مفسران اهل تسنن، قوم یهود را مراد این آیه دانسته‌اند که نزول تدریجی قرآن را با نزول دفعی تورات مقایسه کردند و بر نوع نزول قرآن اشکال گرفتند. (مراغی، بی تا، ۱۲/۱۹)

در پنجاهمین آیه سوره فرقان، برای چهارمین مرتبه، ریشه کفر به کار رفته است: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لَهُمْ آيَاتِهِمْ لِيَذَكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» (فرقان/۵۰) واژه (كُفُورًا) در آیه پنجاهم که به تعبیری بیان حال کفار (طوسی، بی تا: ۴۹۷/۷) و به تعبیر دیگر وضعیت اکثر مردمان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۸/۱۵) است، مفهوم ناسپاسی، انکار و چشم‌پوشی بر نعمت‌ها دارد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۸/۴؛ مراغی، بی تا: ۲۵/۱۹)

پنجاه و دومین آیه سوره فرقان از واژه کافر به صورت صیغه جمع استفاده کرده است: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲) در این آیه واژه کافر با صیغه جمع به صورت «الْكَافِرِينَ» استفاده شده و مراد از آن، محل بحث در متن حاضر است. خواسته‌های این کافران در تفاسیر فریقین، به صورت متفاوت آمده که البته این تفاوت، ریشه در نگاه هر یک از مفسران و میزان برداشت آنان از آیات و روایات دارد: از نظر مفسران شیعی، کافران خواستار کوتاه آمدن پیامبر(ص) از دعوت الهی خویش بودند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۷۳/۷) مفسران اهل تسنن نیز معتقدند این گروه از کافران،

واکاوی معنای کافر در آیه جهاد کبیر (حمید مروجی طبسی و دیگران) ۱۵۷

خواستار کوتاه آمدن پیامبر(ص) از رد و انکار بت‌ها(ابن عاشور، بی تا: ۷۴/۱۹) و حتی پرستش آن‌ها(ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۴۰/۷) و پذیرش نظرات و مذهب مشرکان توسط حضرت رسول(ص)(مراغی، بی تا: ۲۶/۱۹) بودند.

در آخرین آیه‌ای که در سوره فرقان از واژه کافر استفاده شده، چنین آمده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا» (فرقان/۵۵) برخی از مفسران فریقین، (الکافر) را در این آیه، منحصرأ به ابو جهل تفسیر کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۷۳/۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۲۸/۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۷۴/۵)

مفسران شیعه در پاسخ این نظر و رد اختصاص آن گفته‌اند که این تفسیر می‌تواند از باب جری و تطبیق (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۳۷/۱۵) و ذکر مصداق واضح (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱۲۹/۱۵) باشد. پس می‌توان عمومیت مفهوم را به این واژه سرایت داد. همچنین برخی از مفسران اهل تسنن در نقد انحصار به ابو جهل گفته‌اند که اولاً: الف و لام در این واژه برای استغراق(ابن عاشور، بی تا: ۷۸/۱۹) و این کلمه، اسم جنس(بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۲۸/۴) است که به معنای «هر کافر» خواهد بود و ثانیاً خصوص سبب نزول، عمومیت لفظ را مخدوش نمی‌کند.(فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴۷۶/۲۴)

چنانچه مشاهده شد از میان شش مورد استفاده از ریشه کفر در سوره فرقان، تنها یک مورد به معنی ناسپاسی است و بقیه موارد (به جز آیه ۵۲) طبق آرای مفسران و شواهد متعدد، معنای انکارکننده دارد و کفار عرب، منکران خداوند، مشرکان مکه و هر کافر را شامل می‌شود. در نتیجه با توجه به محتوای سوره فرقان و بنا به سیاق، واژه کافر در آیه جهاد کبیر(فرقان/۵۲) که به عدم اطاعت از آنان امر شده جز به معنی دشمنان و منکران که خواسته‌های نفسانی خویش را دنبال می‌کنند و مطالبات نادرست دارند، نمی‌تواند باشد.

۲.۳.۴ عدو، مفهوم هم‌خوان با کافر در قرآن کریم

قرآن کریم، از کافران به عنوان دشمنان آشکار نام برده است: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا»(نساء/۱۰۱) بنابراین و بر اساس هم‌نشینی واژه‌های کافر و عدو، می‌توان از واژه دشمن یا تعبیر قرآنی «عدو» به عنوان مفهوم جایگزین برای فهم بهتر واژه کافر در آیه جهاد کبیر استفاده کرد؛ چرا که کفر و کافر، مفهومی گسترده در قرآن دارد و لازم است از مفهوم هم‌خوان برای تعریف آن استفاده شود تا از ابعاد آن شناخت بهتری حاصل گردد.

دانشمندان لغت، «عدو» را به معنای ظلم و تجاوز از حد، (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۸) مخالف ولی (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۲۴۱۹/۶) و دوست (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۳۹۸) و دلالت‌کننده بر فراتر رفتن در چیزی و پیش روی در آنچه که کوتاهی آن لازم بوده (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۴۹/۴) دانسته‌اند.

در فارسی کلمه دشمن به عنوان معادل عدو به کار می‌رود. دهخدا در لغت‌نامه‌اش این واژه را مرکب از «دش» به معنای بد و زشت و «من» به معنای نفس و ذات دانسته است. (دهخدا، ۱۳۷۲ش: ۹۵۹۳/۷) در فرهنگ معین نیز دشمن کسی معرفی شده که بد فرد دیگری را خواهان است. (معین، ۱۳۸۶ش: ۴۴۲) از واژگان مترادف این کلمه از بدخواه و خصم نام برده شده است. (عمید، ۱۳۸۹ش: ۵۲۷)

از ریشه «عدو»، شصت واژه در قرآن کریم به اشکال و عبارات مختلف به کار رفته است. هرچند این بخش، وظیفه بررسی مفهوم عدو از نگاه مفسران فریقین را بر عهده دارد، اما به دلیل عدم اشاره آنان به این مسئله، دریافت‌های نگارنده از ملاحظه آیات گوناگون قرآن کریم، در ادامه و طی چهار قسمت بیان می‌شود:

۵. دسته‌بندی دشمنان

افراد یا گروه‌های مختلفی در قرآن مجید صراحتاً به عنوان دشمن مؤمنان و مسلمانان معرفی شده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: شیطان و ابلیس: «أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (یس/۶۰)، شیاطین انس و جن: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» (انعام/۱۱۲)، بت‌ها و خدایان دروغین: «قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ؟ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/۷۵-۷۷)، پادشاهان ستمگر: «أَنْ أَقْدِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْدِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ» (طه/۳۹)، یهود و مشرکان: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا» (مائده/۸۲)، کافران: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا» (نساء/۱۰۱)، مجرمان دین‌گریز: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ» (فرقان/۳۱)، برخی از زنان و فرزندان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ» (تغابن/۱۴)، دوستان غیر پرهیزگار: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف/۶۷).

۶. ویژگی‌های دشمنان

قرآن کریم برای دشمنان ویژگی‌هایی را بیان نموده که می‌توان از آنها به عنوان ویژگی‌ها و شناسه‌های دشمنان نام برد. این دشمنان به صراحت افراد و گروه‌های بخش قبل نیستند، اما می‌توان با خصوصیاتشان آنها را شناخت. برخی شاخصه‌هایی که در قرآن برای دشمنان بیان شده عبارت‌اند از: حسادت: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ» (بقره/۱۰۹)، گمراهی: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (آل عمران/۶۹)، خشم در گفتار: «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ» (آل عمران/۱۱۸)، دوری از جنگ در راه خدا: «يَحْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ» (احزاب/۲۰)، اخراج مؤمنان از وطن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ» (ممتحنه/۱)، آزار مؤمنان و بدگویی آنان هنگام چیرگی: «إِنْ يَتَّقِفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُورُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ» (ممتحنه/۲). بر این اساس، می‌توان و باید افراد یا گروه‌هایی که چنین ویژگی‌ها و خصوصیات را دارند از دشمنان محسوب نمود.

۷. خواسته‌های دشمنان

گاهی در جامعه اسلامی و محیط پیرامون آن، دشمنانی وجود دارند که شناخت آنان نیاز به بصیرت بیشتری نسبت به مراحل قبل دارد و آنها را صرفاً با عقاید صریح یا خصوصیاتشان نمی‌توان شناخت، بلکه بر اساس عملکرد و خواسته‌های آنان باید قضاوت نمود. قرآن مجید، خواسته‌ها و دلخواه‌های دشمنان را در بخش‌های مختلف و با عبارات گوناگون بیان نموده که تعدادی از آنها عبارتند از: عدم وصول خیر به مؤمنان: «مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره/۱۰۵)، بازگرداندن مؤمنان به حالت کفر: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا» (بقره/۱۰۹)، گمراه کردن مؤمنان: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ» (آل عمران/۶۹)، به سختی افتادن مؤمنان: «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ» (آل عمران/۱۱۸)، کفر مؤمنان: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا

فَتَكُونُونَ سَوَاءً» (نساء/۸۹)، غفلت مؤمنان از تجهیزات و امکانات خویش: «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً» (نساء/۱۰۲)، نرمش منحرفانه: «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم/۹). بنابراین گاهی لازم می‌آید با افرادی که در لباس دوست هستند و از جبهه خودی به شمار می‌آیند، اما به دلیل نوع پندار و خواسته‌ای که دارند، معامله دشمن نمود و اسرار را از آنان مخفی نمود و همه سخنان آنان را به حساب دلسوزی نگذاشت.

۸. نحوه مقابله با دشمنان

پس از شناخت دشمنان صریح یا مخفی، لازم است دستورات قرآنی مبنی بر چگونگی برخورد با دشمنان نیز بررسی شود. این موارد در چند بخش قابل ارائه است: نهی از دوستی با آنان، نهی از ارسال پیام دوستی به آنان و نهایتاً جنگ با دشمنان.

یکم. نهی از دوستی با دشمنان: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (نساء/۸۹)

دوم. نهی از ارسال پیام دوستی به دشمنان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ». (ممتحنه/۱)

سوم. جنگ با دشمنان: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا». (نساء/۸۹)

بر اساس آنچه گذشت، افراد و گروه‌های مختلفی را می‌توان در جرگه دشمنان محسوب نمود و بر اساس همنشینی مطرح شده، این گروه‌ها و افراد در زمره کافران قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: شیطان و ابلیس، شیاطین انس و جن، بت‌ها و خدایان دروغین، پادشاهان ستمگر، یهود و مشرکان، مجرمان دین‌گریز، برخی از همسران و فرزندان، دوستان غیرپرهیزگار، گروهی از اهل کتاب و کافران اهل کتاب.

۹. چیستی معنای کافر در آیه جهاد کبیر

مفهوم «الکافرین» در آیه جهاد کبیر (فرقان/۵۲) را طبق دو نکته ذیل، می‌توان در هر زمان و مکان به معنای دشمنان و مخالفان آن دوره یا مکان دانست که خداوند سبحان، عدم پذیرش خواسته‌های آنان را به همه امت اسلامی فرمان داده است:

یکم. **قاعده عمومیت لفظ (العبره بعموم اللفظ لا بخصوص السبب)** (معرفت، ۱۴۱۵ق، ۲۶۱/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ۱۲۳/۱): طبق این قاعده هر فرد یا گروهی که ویژگی‌های کافران را داشته باشد، در دایره آن می‌گنجد و در هیچ دوره و مکانی نباید از آنها پیروی و اطاعت شود. پس این واژه منحصر به کافران عصر نزول قرآن نیست.

دوم. **سیاق سوره فرقان:** با توجه به محتوای سوره که پیش از این ذکر شد، واژه کافر در آیه جهاد کبیر که عدم اطاعت از آنان امر شده بنا بر سیاق، جز به معنی دشمنان و منکران که خواسته‌های نفسانی خویش را دنبال می‌کنند و مطالبات نادرست دارند، نمی‌باشد.

علاوه بر این نکات، خداوند متعال در آیه جهاد کبیر به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که از خواسته‌های کافران اطاعت و پیروی نداشته باشد و در برابر خواسته‌های آنها سر تعظیم فرود نیاورد. بر این اساس و بر پایه آنچه تا کنون گفته شد، کافر در این آیه (فرقان/۵۲) به دلایل ذیل، اعم از کافر حربی، کافر ذمی، اهل کتاب غیر اهل ذمه، مشرکان و منافقان است:

یکم. بر اساس آیات قرآن کریم که کافران را دشمنان آشکاری برای جامعه اسلامی معرفی کرده: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (نساء/۱۰۱) می‌توان کافران و دشمنان را به یک معنا و مفهوم دانست.

دوم. کافر حربی در عهد و پیمان با حکومت اسلامی نیست و بدیهی است که از خواسته‌ها و فرمان‌های غیرانسانی او که موجب انحراف جامعه اسلامی است، نمی‌توان و نباید اطاعت و پیروی نمود. به همین دلیل کافران حربی در زمره کافران مورد اشاره آیه جهاد کبیر قرار گرفته‌اند.

سوم. به تصریح آیات قرآن کریم، یهودیان و مسیحیان به هیچ وجه از امت اسلام راضی نخواهند شد، مگر با پیروی از آیین و عقیده آنان: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره/۱۲۰) و در همین آیه تذکر داده شده که اگر امت اسلامی، تسلیم

هوس‌ها و افکار آنان شود، از ولایت الهی خارج می‌شود و یآوری نخواهد یافت. بر این اساس، هر چند کافران ذمی در پناه حکومت اسلامی هستند، اما تنها جان و مال آن‌ها در این معاهده محفوظ است. به عبارت دیگر، از آنجا که فکر و عقیده آن‌ها با جامعه اسلامی یکسان نیست، با وجود زندگی در میان مسلمانان، به دین و اعتقاد خود پایبند مانده‌اند، پس نباید و نمی‌توان از آنان نیز فرمان‌بری و تبعیت داشت. از سوی دیگر، اهل کتاب غیر اهل ذمه هم که در محیط‌های پیرامون یا حتی دوردست از جامعه اسلامی هستند، به دلیل انحراف از میسر واقعی هدایت، قابل اطاعت نیستند. در نتیجه این گروه‌ها هم از کافران مورد اشاره در آیه جهاد کبیر دانسته می‌شوند.

چهارم. بر اساس آیات متعددی از قرآن کریم، منافقان مشابهت با کافران در عقیده و سرنوشت دارند: از سویی عقایدشان را نزدیک به افکار کافران دانسته: «وَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبِعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» (آل عمران/۱۶۷) و حتی آن‌ها را برادر یکدیگر خوانده: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ...» (حشر/۱۱) و از سوی دیگر، در آیات متعدد به پیامبر اکرم (ص) دستور به عدم اطاعت از کافران و منافقان و جهاد با هر دو گروه داده: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه/۷۳)، «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَلَا الْمُنافِقِينَ» (احزاب/۱)، «وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ» (احزاب/۴۸) و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (تحریم/۹) و از سوی سوم، وعده جهنم به هر دو دسته کافران و منافقان داده است: «إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (نساء/۱۴۰) و «وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَاللَّهُ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» (توبه/۶۸) در نتیجه به حکم آیات اشاره‌شده، منافقان نیز در زمره کافران مورد اشاره آیه جهاد کبیر (فرقان/۵۲) شمرده می‌شوند.

پنجم. مشرکان در قرآن کریم، جدای از کافران دانسته نشده‌اند: «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ» (بینه/۱) و سرنوشت هر دو گروه نیز یکسان و ورود به دوزخ بیان شده است. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ

واکاوی معنای کافر در آیه جهاد کبیر (حمید مروجی طوسی و دیگران) ۱۶۳

جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ». (بینه/۶) در نتیجه مشرکان هم از جمله کافران مورد اشاره در آیه جهاد کبیر (فرقان/۵۲) خواهند بود.

۱.۱۰ چیستی خواسته‌های کافران در آیه جهاد کبیر

بخش اول آیه جهاد کبیر، فرمان به عدم اطاعت از کافران داده است. در تفاسیر فریقین به این مسئله که پیامبر اکرم (ص) و به تبع ایشان، مسلمانان در چه موردی از اطاعت کافران پرهیز نمایند، عنایت داشته‌اند که در ادامه می‌آید:

۱.۱۰ دعوت به شرک و بت پرستی

برخی از مفسران، عدم اطاعت امت اسلامی از کافران را به خواست آنان نسبت به پیروی از دین پدرانشان که در حقیقت شرک و بت پرستی بوده است، معنا کرده‌اند. (کاشانی، ۱۳۳۶ش: ۳۶۵/۶؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش: ۸۰۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۹۴/۴؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش: ۳۵۳/۳؛ سمرقندی، بی تا: ۵۴۱/۲؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۴۰/۷؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۵/۱۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۳۲۳/۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۱۱۷/۸؛ حقی بروسوی، بی تا: ۲۲۷/۶)

۲.۱۰ خروج از اطاعت الهی و ترک رسالت

مطابق نظر عده‌ای از مفسران فریقین، خروج از اطاعت فرامین الهی و همچنین ترک رسالت و پیامبری توسط حضرت محمد (ص)، خواسته کافران بوده که آیه جهاد کبیر، ایشان را از فرمان‌پذیری کافران نهی نموده است. (طوسی، بی تا: ۴۹۸/۷؛ مغنیه، بی تا: ۴۷۶؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۶۲-۶۳؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش: ۳۳۱/۱۲؛ ابن ابی‌زمین، ۱۴۲۴ق: ۷۷؛ ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲ق: ۹۱/۲؛ ابن عاشور، بی تا: ۷۴/۱۹؛ آل سعدی، ۱۴۰۸ق: ۶۹۲)

۳.۱۰ سازش و همراهی با کافران

تعداد قابل توجهی از مفسران، معنای فرمان «فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ» (فرقان: ۵۲) را عدم سازش و مدارا با کافران و پرهیز از موافقت، همراهی و همکاری با آنان دانسته‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۴۹۸/۷؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۹؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷ش: ۲۴/۸؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۳۹/۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۱۲۲/۱۵؛ قرائتی، ۱۳۸۳ش: ۲۶۸/۶؛ دخیل، ۱۴۲۲ق: ۴۸۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۴۷۶/۲۴؛ نیشابوری، ۱۴۱۶ق: ۲۵۰/۵؛ ابوالسعود، بی‌تا: ۲۲۵/۶؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق: ۱۰۸/۴؛ مظهری، ۱۴۱۲ق: ۴۲/۷؛ مراغی، بی‌تا: ۲۶-۲۵/۱۹؛ صابونی، ۱۴۲۱ق: ۳۳۶/۲؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق: ۴۳۲/۷؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق: ۱۳۶/۲؛ حوی، ۱۴۲۴ق: ۳۸۷/۷؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق: ۸۴/۱۹؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق: ۱۴۰/۷)

۴.۱۰ خواسته‌های پست و وعده‌های پوچ کافران

هوا و هوس، خواسته‌های پست و منحرف، دعوت به خرافات و وعده‌های پوچ کافران از معانی عدم اطاعت از کافران در آیه جهاد کبیر است که مخالفت با آنها و پرهیز از دلبستگی به آنها توسط پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان لازم شمرده شده است. گروهی از مفسران فریقین این رأی تفسیری را بیان داشته‌اند. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۴۲/۱۴ - ۲۴۳؛ فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۲/۴؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۴؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق: ۱۴۵/۳؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵ق: ۷۸۱/۲؛ نخجوانی، ۱۹۹۹م: ۳۱/۲؛ طنطاوی، بی‌تا: ۲۰۸/۱۰)

۵.۱۰ هرگونه درخواست

عده زیادی از مفسران شیعی و اهل تسنن، فرمان عدم اطاعت از کافران در آیه جهاد کبیر را منحصر در گزینه خاصی ندانسته‌اند و ردّ هر درخواستی از کافران را معنای آن معرفی کرده‌اند، به عبارت دیگر پرهیز از هرگونه تن‌دادن به خواسته‌های کافران را مراد این آیه خوانده‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۴۹۸/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۷۳/۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۹/۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق: ۵۷۹/۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۴۰۹/۹؛ عاملی، ۱۴۱۳ق: ۴۱۵/۲؛ شبر، ۱۴۱۲ق: ۳۵۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۴۷۵/۵؛ طیب، ۱۳۷۸ش: ۶۳۵-۶۳۶؛ زمخسری، ۱۴۰۷ق: ۲۸۶/۳؛ میبدی، ۱۳۷۱ش: ۴۸/۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ۴۵۲/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱۲۷/۴؛ قرطبی،

واکاوی معنای کافر در آیه جهاد کبیر (حمید مروجی طبری و دیگران) ۱۶۵

۱۳۶۴ش: ۵۸/۱۳؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۳۱۶/۳؛ خفاجی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۵/۷؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق:
۴۳۱/۷؛ جزایری، ۱۴۱۶ق: ۶۲۳/۳؛ حمدی زقزوق، ۲۰۰۳م: ۴۲۱/۱۰)

۱۱. هدف از عدم اطاعت کافران

چنانچه تا کنون گذشت، کافران و دشمنان جامعه اسلامی از دستیابی مؤمنان به خیر ناخوشنودند و تلاش دارند تا آنان را گمراه نمایند و حتی به حالت کفر بازگردانند، به همین منظور پیامبر اکرم (ص) را به شرک، بت‌پرستی، خروج از اطاعت الهی و ترک رسالت دعوت می‌نمودند. کافران همچنین از به سختی افتادن جامعه اسلامی خرسند می‌شوند و آرزو دارند تا از اصول خود کوتاه بیایند و نرمش منحرفانه داشته باشند، با همین رویکرد، درخواست سازش و همراهی با کافران را از رسول خدا (ص) داشتند. مشخص است که هدف دشمنان و کافران، تسلط بر جامعه اسلامی و در حقیقت، از دست ندادن موقعیت در محیط پیرامونی‌شان بوده است.

در چنین فضایی، با نزول آیه جهاد کبیر، (فرقان/۵۲) پیامبر اعظم (ص) و آحاد جامعه اسلامی از اطاعت کافران نهی شدند تا تسلط و استیلای کافران بر جامعه اسلامی ایجاد نشود، چنانچه در آیه نفی سبیل (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا نساء/۱۴۱)) نیز همین هدف دنبال شده است.

۱۲. محدوده عدم اطاعت از کافران

برخی از آیات قرآن کریم، اطاعت از کافران یا رعایت پیمان با آنان را که ممکن است به نوعی فرمان‌بری از کافران محسوب شود، مجاز نمی‌شمارد. علاوه بر آیه جهاد کبیر که به نهی اطاعت از کافران فرمان داده، در آیات ۵۵ تا ۵۸ سوره مبارکه انفال، ابتدا کافران را بدترین موجودات معرفی می‌کند: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (انفال/۵۵) و آنان را کسانی می‌داند که عهدنامه‌ها را به طور مکرر نقض می‌کنند: «الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ» (انفال/۵۶)، در چنین شرایطی فرمان قرآن این است که چنانچه از سوی دشمنان بیم خیانت می‌رود، جامعه

اسلامی باید همچون آنان عمل نماید، پیمان‌نامه را به سویشان پرتاب کند و در حقیقت، پیمان‌نامه نقض شود: «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ...» (انفال/۵۸)

اما از سوی دیگر، آیاتی از قرآن کریم به صورت مطلق به رعایت عهد و پیمان دستور داده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/۱) حتی به رعایت عهدهای مدت‌دار با مشرکان مشروط به عدم پیمان‌شکنی آنان فرمان داده است: «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ». (توبه/۴) در روایات نیز به دستیابی به علوم حتی در دوردست‌ها امر شده است: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (منسوب به جعفر بن محمد (ع)، ۱۴۰۰ق: ۱۳) روشن است که در روزگار صدور این حدیث، مسلمانان در دوردست‌ها کمتر زیست می‌کردند، پس می‌توان از این حدیث دریافت که علم‌آموزی، دانش‌جویی و دانش‌افزایی از کافران، مورد اشکال معصومان (ع) نبوده است.

در سوره ممتحنه نیز ابتدا به صورت مطلق نهی از دوستی با دشمنان شده (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ (ممتحنه/۱))، در ادامه به ویژگی‌های این دشمنان اشاره کرده، حضرت ابراهیم (ع) و نحوه برخورد ایشان با کافران به عنوان الگو و اسوه معرفی نموده و نهایتاً تصریح کرده که خداوند، امت اسلامی را از دشمنانی نهی می‌کند که با آنان در مبارزه و نبرد هستند، نه دشمنان خاموش: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ ... إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ...» (ممتحنه/۹و۸) آیت الله خامنه‌ای در تفسیر این آیه فرمودند:

ما از قرآن یاد گرفته‌ایم که با کسانی که با نظام اسلامی دشمنی نمی‌کنند خوش‌رفتاری کنیم. در سوره ممتحنه است که «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه/۸)؛ این کفاری که با شما سر ستیزه ندارند، سر جنگ ندارند، عملاً با شما دشمنی نمی‌کنند، شما به اینها نیکی کنید، با اینها هم به قسط و عدل عمل کنید؛ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ❖ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ. (ممتحنه/۹و۸) بنابراین، آیه قرآن این را می‌گوید. این جور نیست که می‌گویند

جمهوری اسلامی با همه سر ستیزه دارد؛ نخیر، ما با کسانی که با ما دشمنی نمی‌کنند - از هر دینی، از هر مذهبی - مشکلی نداریم، به اینها نیکوکاری هم می‌کنیم. تأکید اسلام مقابله‌ی با دشمنان است، کسانی که دشمنی می‌کنند، نه کسانی که دینشان با شما یکی نیست. ... ما با اندیشه شما کاری نداریم [لکن] دشمنی نباید بکنید. قرآن روی دشمن و دشمنی کردن تکیه می‌کند. در سوره ممتحنه می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ**؛ (ممتحنه/۱) با کسانی که دشمن من و دشمن شما هستند - هم دشمن خدایند، هم دشمن جامعه اسلامی‌اند - دوستی نکنید، آنها را همراه خودتان و هم‌پیمان خودتان نگیرید. یا آن آیه معروف **«وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ»** که در سوره انفال است، بعد دارد که **«تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»**؛ (انفال/۶۰) این قوت ایجاد کردن، اقتدار ایجاد کردن، سلاح تولید کردن و خود را قدرتمند کردن، برای این است که **«تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ»**، دشمن را بترسانید؛ بحث غیر دشمن نیست. بنابراین، تکیه اسلام بر مواجهه با دشمن فعال است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۲/۲۲)

بار دیگر، ایشان با تکیه بر سخنی از امام علی (ع) چنین گفتند:

جهاد اسلام برای تحمیل عقیده نیست؛ برای مبارزه با کسانی است که انسان‌ها را به بردگی می‌کشند. جهاد اسلام جنگ با ملت‌ها نیست؛ بلکه جنگ با قدرت‌های ستمگر و ظالم است. این، تاریخ اسلام است؛ این، عملکرد پیشوایان اسلام است؛ این، توصیه پیشوایان اسلام است. امیرالمؤمنین (ع) در خطاب و فرمان خود به مالک اشتر این جمله جاودانه و فراموش‌نشدنی را دارند که می‌فرمایند: کسانی که تو با اینها در آنجا مواجه می‌شوی، یا با تو از لحاظ عقیده یکسانند، یا **«وَأَمَّا شَرِيكٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»**؛ یا در انسان بودن با تو شریک هستند. حتی کسانی که از لحاظ عقیده با تو همراه نیستند، ولی انسانند، باید با انسان برخورد تکریم‌آمیز داشت. **«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ أَنْ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ»**؛ (ممتحنه/۸) - این دستور قرآن است - با کفار، با کسانی که با شما هم‌عقیده نیستند، اما به شما تجاوز نکردند؛ تعرض نکردند؛ تعدی نکردند؛ با شما ظالمانه برخورد نمی‌کنند، به اینها اعمال قسط کنید؛ نیکی کنید. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۶/۲۷)

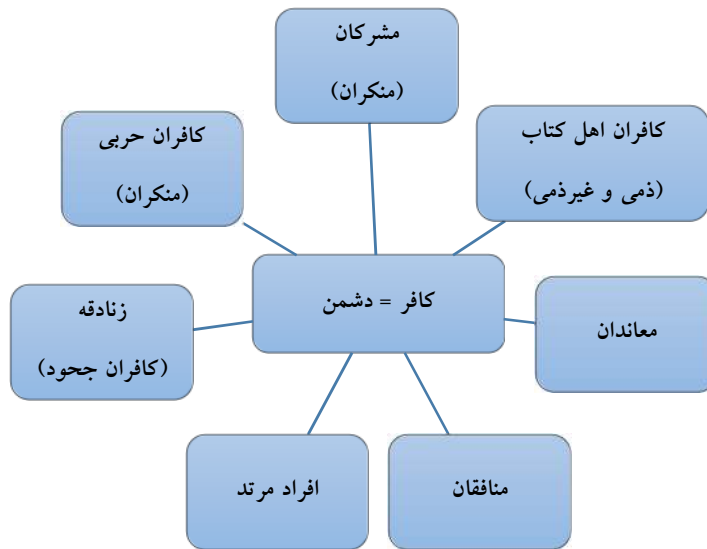
نتیجه اینکه اسلام قصد قطع ارتباط میان انسان‌ها را ندارد، بلکه برای رشد جامعه اسلامی و گسترش دین الهی، هر تلاشی را ممدوح می‌داند، مشروط به آنکه استیلای کافران بر جامعه اسلامی رخ ندهد؛ پس اولاً دشمنان خاموش اسلام و جامعه اسلامی را مد نظر ندارد و ثانیاً عدم اطاعت از دشمنان را در محدوده اجتماع و همزیستی مسالمت‌آمیز تعریف نکرده، بلکه آن را در حوزه برنامه‌ریزی پیشرفت جامعه اسلامی فرمان داده است.

۱۳. نتایج و دستاوردها

معنای لغوی و معانی اصطلاحی کفر در قرآن کریم و دانش‌های فقه و کلام را می‌توان در جدول ذیل خلاصه نمود:

بی‌ایمانی، ناشکری، پوشش، سرپیچی، شب و کشاورزی					کافر در لغت	
در برابر شکر	در برابر ایمان		در برابر اسلام		قرآن کریم	
-	کافر ارتدادی		کافر زندیق	کافر اصلی		دانش فقه
	کافر ملی	کافر فطری		کافر ذمی	کافر حربی	
-	کفر نفاق		کفر جحود	کفر عناد	کفر انکار	دانش کلام اسلامی

بر اساس این جدول، کافر اصلی و کافر زندیق در دانش فقه معادل کافر مخالف دین اسلام در قرآن کریم و کفرهای انکار، عناد و جحود در دانش کلام اسلامی است. همچنین کافر ارتدادی در دانش فقه معادل کافر در برابر مؤمن در قرآن مجید و کفر نفاق در دانش کلام محسوب می‌شود. همچنین کفر در برابر شکر که قرآن کریم، آن را معرفی نموده در مباحث اخلاقی قابل طرح است و دانش‌های فقه و کلام، متعرض آن نشده‌اند. همچنین بر اساس آنچه در این تحقیق گذشت، نمودار ذیل در خصوص ابعاد کفر و انواع کافران در آیه جهاد کبیر (فرقان/۵۲) نتیجه گرفته می‌شود:



نتیجه اینکه کافر در آیه جهاد کبیر به معنای کلی «دشمن فعال علیه منافع جامعه اسلامی» تعریف می‌شود، نه دشمنان خاموش اسلام و جامعه اسلامی. همچنین مسئولان جامعه اسلامی موظف‌اند تا با تکیه بر داشته‌های خود و بهادادن به توانایی‌های آحاد جامعه اسلامی، اقدام به جهاد کبیر نمایند و در این مسیر، متکی به مخالفان علمی، عقیدتی و عملی خود نباشند، مخالفانی که دایره آن گاهی ممکن است هم‌پیمانان را دربرگیرد. این نتیجه‌گیری، عقد پیمان‌های مختلف با مخالفان فکری و عملی را نقد و نفی نمی‌نماید، بلکه پایه‌ریزی پیمان‌نامه‌ها بر اطاعت بی‌قید و شرط از کافران (دشمنان فعال علیه منافع جامعه اسلامی) را انکار می‌کند و بر ورود جهاد کبیر به این عرصه اصرار دارد. همچنین عدم اطاعت از دشمنان را در محدوده همزیستی مسالمت‌آمیز تعریف نکرده، بلکه آن را در حوزه برنامه‌ریزی پیشرفت جامعه اسلامی فرمان داده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابن‌ابی‌زمین، محمد بن عبدالله، *تفسیر ابن‌ابی‌زمین*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۲۴ق.

- ابن بابویه، محمد بن علی، *الاعتقادات* (مصنفات الشيخ المفيد)، تحقیق: علی میرشریفی و عصام عبدالسید، قم، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۴۱۳ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق: عبدالرزاق المهدي، بیروت، دار الكتاب العربي، چاپ اول: ۱۴۲۲ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنوير*، بیروت، موسسه التاريخ، چاپ اول، بی تا.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد، *البحر المديد فی تفسیر القرآن المجید*، تحقیق: احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، دکتر حسن عباس زکی، چاپ اول: ۱۴۱۹ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول: ۱۴۰۴ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۱۹ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب بیروت*، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ابوالسعود، محمد بن محمد، *ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول: ۱۴۰۸ق.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، *البحر المحيط فی التفسیر*، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، چاپ اول: ۱۴۲۰ق.
- آل سعدي، عبدالرحمن بن ناصر، *تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان*، مکتبه النهضه العربیة، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم، *تفسیر جامع*، تهران، انتشارات صدر، چاپ ششم: ۱۳۶۶ش.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، تحقیق: محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۱۵ق.
- بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق: عبدالرزاق المهدي، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول: ۱۴۲۰ق.

واکاوی معنای کافر در آیه جهاد کبیر (حمید مروجی طیبی و دیگران) ۱۷۱

بلخی، مقاتل بن سلیمان، *الاشباه والنظائر فی القرآن الکریم* (کلمات مشترک و هم‌معنا در قرآن کریم)، مترجمان: سید محمد روحانی، محمد علوی مقدم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

بیضاوی، عبدالله، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق: ابومحمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
جزایری، ابوبکر جابر، *ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر*، مدینه منوره، مکتبه العلوم و الحکم، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول، ۱۳۷۶ق.
حائری تهرانی، میر سید علی، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۰۶/۰۳/۱۳۹۵

_____ بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۲.

_____ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، ۲۷/۰۶/۱۳۸۵.

حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، انتشارات میقات، چاپ اول: ۱۳۶۳ش.

حقی بروسوی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، بی‌تا.
حمدی زقزوق، محمود، *الموسوعة القرآنیة المتخصصة*، قاهره، وزارة الاوقاف مصر، چاپ اول، ۲۰۰۳م.

حوی، سعید، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دار السلام، چاپ ششم: ۱۴۲۴ق.
خفاجی، احمد بن محمد، *عناية القاضی و كفاية الراضی*، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول: ۱۴۱۷ق.

دخیل، علی بن محمدعلی، *الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم: ۱۴۲۲ق.

- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول از دوره جدید، پاییز ۱۳۷۲ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تهران، *مفردات الفاظ قرآن*، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
- زحیلی، وهبه بن مصطفى، *التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج*، بيروت و دمشق، دار الفكر المعاصر، چاپ دوم: ۱۴۱۸ق.
- زمخشری، محمود، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل*، بيروت، دار الكتاب العربي، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
- سبحانی، جعفر، *الإيمان والكفر في الكتاب والسنة*، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، *ارشاد الازهان الى تفسير القرآن*، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ اول: ۱۴۱۹ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، *تفسير السمرقندی*، تحقیق: ابوسعید عمر بن غلامحسن عمروی، بيروت، دار الفكر، چاپ اول: بی تا.
- سیوطی، جلال الدین، *الإتقان في علوم القرآن*، بيروت: دارالكتاب العربي، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق
- _____، *الدر المنثور في تفسير المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول: ۱۴۰۴ق.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، *في ظلال القرآن*، بيروت و قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم، ۱۴۱۲ق.
- شبر، سید عبدالله، *تفسير القرآن الكريم*، بيروت، دار البلاغة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- شوکانی، محمد بن علی، *فتح القدير*، دمشق و بيروت، دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب، چاپ اول: ۱۴۱۴ق.
- صابونی، محمد علی، *صفوة التفاسیر تفسير للقرآن الكريم*، بيروت، دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- صاحب، اسماعیل بن عباد، *المحيط في اللغة*، بيروت، عالم الکتب، چاپ اول: ۱۴۱۴ق.
- صادقی تهرانی، محمد، *البلاغ في تفسير القرآن بالقرآن*، قم، مؤلف، چاپ اول: ۱۴۱۹ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *الميزان في تفسير القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم: ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البيان في تفسير القرآن*، تحقیق: محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

واکاوی معنای کافر در آیه جهاد کبیر (حمید مروجی طبسی و دیگران) ۱۷۳

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول: ۱۴۱۲ق.

طنطاوی، سید محمد، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، دار نهضة مصر للطباعة و النشر، چاپ اول: بی تا.

طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد فصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.

_____، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، محقق/ مصحح: سید محمد تقی کشفی، ۱۳۸۷ ق، چاپ سوم.

طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش.

عاملی، علی بن حسین، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، تحقیق: مالک محمودی، قم، دار القرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

علم الهدی، علی بن حسین، *الذخیره فی علم الکلام*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ق.

عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، راه رشد، چاپ اول: ۱۳۸۹ش.

فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

فضل الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق.

فیض کاشانی، ملا محسن، *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.

مجموعه رسائل، فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، مصححان: محمد امامی کاشانی، بهرادجعفری، علیرضا اصغری، حسن قاسمی، مهدی حاجیان، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷ش.

فیضی دکنی، ابوالفضل، *سواطع الالهام فی تفسیر کلام الملک العلام*، تحقیق: سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، قم، دار المنار، چاپ اول: ۱۴۱۷ق.

فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم: ۱۴۱۴ق.

قاسمی، محمد جمال‌الدین، *محاسن التأویل* (تفسیر القاسمی)، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۱۸ق.

قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول: ۱۳۶۴ش.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول: ۱۳۶۸ش.
کاشانی، ملافتح‌الله، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، چاپ سوم: ۱۳۳۶ش.

_____ *زبدۃ التفاسیر*، تحقیق: بنیاد معارف اسلامی، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول: ۱۴۲۳ق.

کاشفی سبزواری، حسین بن علی، *مواهب علیہ*، تحقیق: سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، چاپ اول: ۱۳۶۹ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
کاشف الغطاء، الشیخ جعفر، *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء*، تحقیق: مکتب الإعلام الإسلامی (فرع خراسان)، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۲ق.

_____ پاسخ نامه شیخ جعفر کاشف الغطاء به عبدالعزیز بن سعود (*منهج الرشاد لمن اراد السداد*)، مترجم: محمد تقدیمی صابری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷ش.

گلپایگانی، سیدمحمدرضا، *مجمع المسائل*، قم، دار القرآن الکریم، محقق: علی کریمی جهرمی، علی ثابتی همدانی، علی نیری همدانی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

گنابادی، سلطان محمد، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم: ۱۴۰۸ق.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *حق الیقین*، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۶ش.

_____ *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، مصححان: هاشم رسولی، جعفر حسینی، محسن حسینی امینی، علی آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ش.

واکاوی معنای کافر در آیه جهاد کبیر (حمید مروجی طیبی و دیگران) ۱۷۵

مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت و لندن و قاهره، دار الکتب العلمیه و مرکز نشر آثار علامه مصطفوی چاپ سوم، ۱۴۳۰ق.

مطهری، حمیدرضا، زندگه در سده های نخستین، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷.

مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن ۲۰۱، تهران، انتشارات صدرا، چاپ یازدهم، پاییز ۱۳۷۵ش.
مطهری، محمد ثناء الله، التفسیر المظهری، تحقیق: غلام نبی تونسلی، پاکستان: مکتبه رشديه، چاپ اول: ۱۴۱۲ق.

معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم: ۱۴۱۵ق.
معین، محمد، فرهنگ فارسی، به اهتمام عزیزالله عزیزاده، تهران، فردوس، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
مغنیه، محمد جواد، التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، چاپ سوم. بی تا.

_____، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول: ۱۴۲۴ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

ملاحویش آل غازی، سید عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، چاپ اول: ۱۳۸۲ق.

منسوب به جعفر بن محمد (علیه السلام)، مصباح الشریعه، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۰ق.

الموسوی، الشریف المرتضی، الآیات الناسخه والمنسوخه، بیروت، مؤسسه البلاغ، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

میبدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار وعدة الأبرار، تحقیق: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم: ۱۳۷۱ش.

نخجوانی، نعمت الله بن محمود، الفواتح الالهیه والمفاتیح الغیبیه، مصر، دار رکابی للنشر، چاپ اول: ۱۹۹۹م.

نووی جاوی، محمد بن عمر، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، تحقیق: محمد امین الصناوی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن ورغائب الفرقان، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۱۶ق.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ش.

۱۷۶ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۶، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱

واحدی نیشابوری، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

وحید خراسانی، حسین، *توضیح المسائل*، قم: مدرسه امام باقر(ع)، چاپ نهم، ۱۴۲۸ق.

نرم افزارها

جامع الاحادیث ۳/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

جامع تفاسیر نور ۲/۵، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

جامع فقه اهل بیت(ع) ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

قاموس النور ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

مجموعه آثار استاد شهید مطهری، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

حدیث ولایت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.